



Sheikh Mohammad Hassan Vakili

سخنی درباره کاتب ملحقات رساله سیر و سلوک بحر العلوم

تاریخ انتشار: شنبه ۳ شوال ۱۴۳۷

مهر العالیمة

در قسمت پایانی رساله سیر و سلوک منسوب به سید بحرالعلوم مطالبی آمده که از مذاق فقهای متشرع به دور است. این عبارات سبب شده که برخی استناد کل رساله را به مرحوم سید انکار کنند غافل از آنکه این عبارات از ناسخ رساله است نه از مؤلف آن. از توضیحی که میرزا معصومعلی صاحب طرائق الحقائق در دو موضع از طرائق بیان نموده می‌توان حدس زد که این ناسخ جناب رحمتعلیشاه نعمة اللهی جد میرزا معصومعلی می‌باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

رساله سیر و سلوک منسوب به علامه سید مهدی بحرالعلوم رضوان الله علیه از بهترین کتابهای تألیف شده در وادی عرفان عملی است که در عین اختصار مشتمل بر مباحثی بسیار نافع و راهگشا است.

مرحوم علامه طهرانی قدس سره در این باره می‌فرمایند:

این حقیر روزی در خدمت استاد علامه طباطبائی مُدَّ ظَلَّهُ عرض کردم: حقیر با وجودی که کتب اخلاق و سیر و سلوک و عرفان را بسیار مطالعه نموده‌ام هیچ کتابی مانند این رساله جامع و شامل و متین و اصولی و مفید و روان و در عین حال مختصر و موجز بطوری که می‌توان در جیب گذارد و در سفر و حضر از آن بهره‌مند شد نیافتم. ایشان از این سخن تعجب کردند و فرمودند: این نظیر عبارتی است که من از مرحوم قاضی رضوان الله علیه شنیدم. چه، ایشان فرمودند: «کتابی بدین پاکیزگی و پر مطلبی در عرفان نوشته نشده است.»

در قسمت پایانی این رساله مطالبی آمده که از مذاق فقهای متشرع به دور است. این عبارات سبب شده که برخی استناد کل رساله را به مرحوم سید انکار کنند غافل از آنکه این عبارات از ناسخ رساله است نه از مؤلف آن. عبارت چنین است:

ناسخ گوید: من نوبتی اربعینات را به طریق مذکور به قدر امکان بسر رسانیدم، و نوبتی در آن شروع کردم، و اوراد اربعینیه را کلمات ادريس عليه السلام قرار دادم به ترتیب و شرائط و آداب و مقدار اوقات، چنانچه در رساله سید ابن طاووس (ره) که در این خصوص نوشته مذکور است.

و در مبادی اربعینات اول به ذکر وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۱۰۸۰ نوبت در يك مجلس اشتغال نمودم و چند دفعه آن را به جا آوردم.

و در مدّت سه اربعین ۴۰۰۰۰ مرتبه سوره مبارکه «و العادیات» را خواندم. و در این سه اربعین عقب هر فریضه ده نوبت سوره «فاتحه» را خواندم. و فائده کلیّه این سه ذکر دفع عوائق دنیویّه است.

و گاه گاه به روحانیت عطارد متوسّل و از آن استمداد همت می‌کردم.

چه اهل اسرار را از روحانیت آن مدد می‌رسد. چنانچه بعد از غروب آفتاب یا پیش از طلوع در هنگامی که توان عطارد را دید به آن نظر کند و پس از سلام به آن گامی پس نهد و بگوید:

عَطَارُذُ أَيُّمُ اللَّهِ طَالَ تَرْقُبِي

صَبَاحًا مَسَاءً كِي أَرَاكَ فَأَغْنَمَا

پس گامی دیگر پس نهد و بگوید

وَ هَا أَنَا فَا مَنَحْنِي قَوِيَّ أَدْرِكُ الْمُنَى

بِهَا وَ الْعُلُومُ الْغَامِضَاتِ تَكْرُمَا

پس گامی پس نهد و بگوید:

وَ هَا أَنَا جُدُّ لِي الْخَيْرِ وَ السَّعْدَ كُلَّهُ

بَأْمْرِ مَلِيكِ خَالِقِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ

تکرار این عمل در مبادی مطلوب است.

و امکانه شریفه و مساجد کریمه و مشاهد عالیّه را در استعداد فیوضات مدخلیتی تمام است و اکثراً اهل حال را در یکی از اماکن مکّرمه باب فیض گشوده شده.

و سیّد بزرگوار گوید: مرا در «سُرِّ مَنْ رَأَى» از فیض آن محلّ حالتی حاصل شد که وراى مرتبه شرح است و اکثر مقرّ او در ایوانی بود که محاذی در سرداب مقدّس بود. و سیّد خود بعد از آن در آنجا معبدی عظیم بنا نهاد و الحال به مسجد ابن طاووس مشهور است و حال از بنای آن بزرگوار اثری نیست. (شرح رساله سیروسلوک منسوب به بحرالعلوم، ص ۲۱۸-۲۲۲)

مرحوم علامه طهرانی در چند موضع از شرح خود بر این رساله به این نکته تاکید ورزیده‌اند که این مطالب از مرحوم سید بحرالعلوم نیست و نباید به بهانه آن انتسابش را به مرحوم سید انکار کرد؛ از جمله می‌فرمایند:

مرحوم امین گوید: «و ظاهراً این رساله فارسیّه همان رساله سیر و سلوک است که مشتمل بر اموری است که مناسب با مذاق تصوّف است و با مذاق شرع موافقت ندارد و بدین لحاظ در تتمّه «أمل الآمل» بطور جزم صحّت انتساب آنرا به بحرالعلوم رد نموده است.»

و پس از آن گوید: «و از جمله مطالبی که در آن رساله آمده است یکی لزوم استحضار صورت مرشد در موقع گفتن «ایّاک نعبد و ایّاک نستعین»؛ و دیگر استعانت به روحانیت ستاره عطار و استشهادی که به یک رباعی که در این باره سروده شده نموده است». تا اینجا تمام شد گفتار مرحوم صاحب «أعیان الشیعة».

لیکن ایشان در این مسأله دچار اشتباه شده‌اند، زیرا اولاً در هیچ جای این رساله استحضار صورت مرشد در وقت قرائت «ایّاک نعبد و ایّاک نستعین» نیامده است.

و ثانیاً استعانت به روحانیت عطار- چنانکه بعداً خواهد آمد- از رساله بحرالعلوم نیست بلکه گفتار ناسخ است که بعد از تمامیت کتابت رساله در ضمن شرح احوال خود بیان می‌کند و ابدأً ربطی به رساله ندارد» (همان، ص ۱۶)

و نیز می‌فرمایند:

(در بیان اینکه از این موضع تا انتهای رساله از ناسخ مجهولی است که به سخنان او اعتنائی نیست) ناسخ خود را معرفی نموده است و در بعضی از نسخ در حاشیه آن نوشته بود: هُوَ والد السیّد المصطفی الخوانساری به هر حال این مطالبی را که ناسخ می‌گوید جزء رساله نیست، و ابدأً به آن ربطی ندارد، و چون فائده نیز ندارد بهتر آن بود که حذف گردد. (همان، ص ۲۱۸)

از توضیحی که میرزا معصومعلی صاحب طرائق الحقائق در دو موضع از طرائق بیان نموده می‌توان حدس زد که این ناسخ جناب رحمتعلیشاه نعمةاللهی جد میرزا معصومعلی می‌باشد.

در اینجا عبارت صاحب طرائق عرض میشود به امید آنکه موجب استفاده اهل تحقیق قرار گیرد و روزی با تحقیقات ناسخ اصلی شناخته شود. وی در شرح حال جد خود مرحوم میرزا زین العابدین رحمت علیشاه گوید:

آن جناب را رساله موجزی است در جواب از سؤال وحدت وجود و آن را در مشهد رضوی فی شهر رجب سنه تسع و اربعین و مأتین بعد الالف مرقوم داشته و کتاب ادعیه‌ایست که بعضی را از مشایخ خود اخذ فرموده و بعضی را از ثقات دیگر برای رفع امراض و قضاء حوایج و ختوم و غیر ذلك مجرب است و بعضی حواشی بر کتب عربیه و فقهیه نوشته‌اند که متفرق است و رساله از سید بحر العلوم اعلی الله مقامه در عرفان بخط ایشان دیدم که جزوی هم شرح اربعینات خود را ضمیمه فرموده بود برای مرحوم حاجی عبد العظیم هراتی که اظهار ارادت خدمت آن حضرت می‌نموده. (طرائق الحقائق، ج ۳، ص: ۳۹۴)

و نیز در شرح حال حاج عبدالعظیم هراتی گوید:

الحاج عبد العظیم الهروی با برادرش حاج عبد الکریم ساکن طهران و از تجار معروف بودند در سال هزار و دویست و نود و چهار راقم را ملاقاتش در طهران حاصل گردید از هشتاد سنین عمرش متجاوز می‌نمود چشم سرش به واسطه نزول نابینا شده بود و دیده دلش به نور ولایت روشن. از ارادتمندی خود خدمت رحمت مآب نقل‌ها داشت و کتابی که نسبتش بمرحوم سید بحر العلوم در شرح کتاب سیر و سلوک سید ابن طاوس

علیه‌الرحمه بخط جناب والد برای حاج مذکور مشاهده شد و بعضی از وقایع اربعینات خود را اضافه فرموده بودند.» (طرائق الحقائق، ج ۳، ص: ۴۳۰).